

کارگروه فرهنگی انجمن طراحان فیلم سینمای ایران
پرونده ویژه نشست تخصصی طراحی صحنه در مرحله ی
پا تولید - دی ماه ۱۴۰۲

مبانی رنگ‌پردازی و تعیین منظر فیلم

color grading



به کوشش

رضاهدی زاده

گردآوری، ترجمه و تالیف

هرضیه جعفر پور لوانانی

پردازش رنگ برای تکامل روایت دیداری :

باتوجه به پیشینه و خاستگاه سینما که فیلمسازی سیاه و سفید است، عجیب نیست که با افزوده شدن رنگ به عنوان یک ابزار بیانگر، بسیاری از فیلمسازان به استفاده و هدایت آن مهم در آثارشان گرایش و توجه ویژه دارند. از انتخاب پالت رنگ و فام های رنگی گرفته تا فیلترها در دوره تولید و پردازشگرهای پسا تولید، نقشی حیاتی را در ساخت جهان فیلم و ارائه دیدگاه کارگردان به عهده می گیرند. انتخاب رنگ، نیازمند یک پشتوانه شناختی و تحلیلی است، انتخاب هوشمندانه پالت رنگ، روایت را تقویت می کند و نگاه جذاب و متفاوتی را به فیلم اضافه می کند.

رنگ ها چگونه می توانند داستان سرایی کنند؟

رنگ می تواند انسان را از نظر احساسی، و حتی روانی تحت تاثیر قرار دهد. از نظر فیزیکی، اغلب بدون اینکه مخاطب متوجه شود، رنگ میتواند هارمونی یا تنش را در یک صحنه ایجاد کند یا توجه را به موضوعات کلیدی جلب کند.

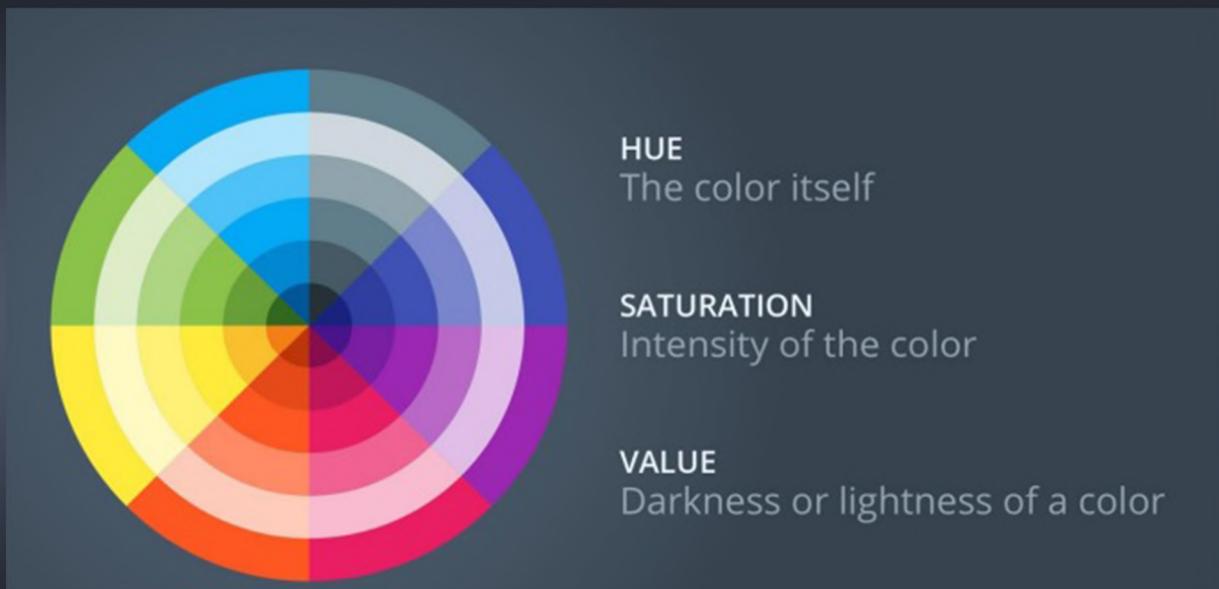
تاثیر و قدرت رنگ ها در فیلم :

- برانگیزاننده واکنشهای روانی در مخاطب است.
- تمرکز را به سمت جزئیات مهم هدایت می کند.
- لحن فیلم را تنظیم می کند.
- نمایانگر ویژگی های شخصیت است.
- نمایشگر تغییرات در داستان فیلم است.



رنگ فیلم حال و هوا و اتمسفر فیلم را مشخص و لحن فیلم را تعیین می کند. رنگ سه جزء اصلی دارد :

- **Hue:** مشخص کننده رنگمایه (فام رنگ) است، صفتی از رنگ است که جایگاه آن را در چرخه رنگ (از قرمز تا بنفش)، مشخص می کند.
- **saturation:** اشباع رنگ، هر رنگ مقدار اشباع خاصی دارد که تعیین کننده میزبان شدت آن رنگ است. برای مثال در تصویر پایین قرمزهای تیره تر، از میزان اشباع بیشتری بهره می برند.
- **value:** ارزش رنگ مشخص کننده تیرگی یا روشنی رنگ است. هر چه رنگ سفید بیشتری به یک فام اضافه شود، ارزش آن بیشتر است.



بسیاری از بینندگان واکنشهای مشابهی نسبت به تماشای رنگ های خاص بروز می دهند، به طوری که یک رنگ قرمز می تواند فشار خون را افزایش دهد و یک آبی تیره می تواند آرامش بخش باشد.



قرمز بیانگر عشق، شور، خشونت، خطر، خشم، و قدرت است.

صورتی بیانگر بی گناهی، شیرینی، زنانگی، بازیگوشی، یکدلی، و زیبایی است.

INNOCENCE
SWEETNESS
FEMININITY
PLAYFUL
EMPATHY
BEAUTY



studio binder FILM PROJECT MANAGEMENT SOFTWARE

WARMTH
SOCIABILITY
FRIENDLY
HAPPINESS
EXOTIC
YOUTH



studio binder FILM PROJECT MANAGEMENT SOFTWARE

نارنجی بیانگر گرما، جامعه پذیری، مهربان و صمیمی، خوشبختی، جالب و خوشایند، و جوانی است.

زرد بیانگر جنون، بیماری، ناامنی، وسواس، آدم ساده دل و بی تکلف است.

MADNESS
SICKNESS
INSECURITY
OBSESSIVE
IDYLIC
NAIVE



studio binder FILM PROJECT MANAGEMENT SOFTWARE

سبز نمایانگر طبیعت،
نابالغی، فساد، شوم،
تاریکی، خطر است.

NATURE
IMMATURITY
CORRUPTION
OMINOUS
DARKNESS
DANGER



COLD
ISOLATION
CEREBRAL
MELANCHOLY
PASSIVITY
CALM



آبی بیانگر سردی، انزوا،
مالیخولیا، انفعال، آرام
بودن است.

بنفش بیانگر فانتزی،
اروتیک، توهم آمیز،
عرفانی، و شوم است.

FANTASY
ETHEREAL
EROTICISM
ILLUSORY
MYSTICAL
OMINOUS



اگرچه رنگ ها دارای قراردادهای مرتبط هستند، اما به هیچ عنوان محدودیت در انتخاب رنگ دیده نمی شود و هیچ قانون مطلق برای انتخاب رنگ وجود ندارد. در نهایت، واکنش تماشاگر به رنگ بستگی به نحوه تعریف آن در فیلم دارد. در فیلم «حس ششم» کارگردان فیلم «ام نایت شیامالان»، از رنگ قرمز برای نشان دادن ترس، وپیش بینی استفاده می کند، در حالی که در فیلم «پلزننت ویل»، دیوید لینچ از رنگ قرمز برای نشان دادن امید، عشق و احساسات استفاده می کند. هنجارهای تئوری رنگ باید توسط فیلمسازان درک شود، اما هرگز به عنوان محدودیت دیده نشود.

گرچه رنگ های واحد و تکرار شونده می تواند معنای عمیق تری داشته باشد، اما انتخاب یک پالت رنگی که دارای رنگ های بیشتری باشد، در برقراری ارتباط با زمینه موضوع، می تواند موثرتر عمل کند.

پالت رنگی متعادل در فیلم، وحدت بصری ایجاد می کند و لحن فیلم را منسجم می کند.

پالت های تک رنگ با استفاده از سایه های همان رنگ مانند رنگ قرمز و قرمز تیره، احساسی عمیق و هماهنگ ایجاد می کند که نرم، و آرامش بخش است.

فیلم ماتریکس نمونه خوبی از پالت تک رنگ است. تقریباً هر صحنه ای که در دنیای ماتریکس تنظیم می شود، رنگ سبزی دارد و سایه های سبز در همه ی کادر نفوذ می کند تا جلوه ای غیر طبیعی ایجاد کند.

BALANCED COLORS



MONOCHROMATIC



ANALOGOUS



COMPLEMENTARY



TRIADIC



MONOCHROMATIC



MONOCHROMATIC

The Matrix (1999)



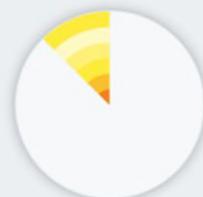
The Grand Budapest Hotel (2014)



Moonrise Kingdom (2012)

رنگ های مکمل

رنگ های مکمل در چرخه رنگ در مقابل یکدیگر زندگی می کنند. به عنوان مثال رنگ نارنجی و آبی مکمل یکدیگر هستند و همدیگر را تکمیل می کنند. این پالت بیشتر در فیلم های سرگرم کننده استفاده می شود و برای دوئل، ناسازگاری و تعارض چه بیرونی و چه درونی مورد استفاده قرار می گیرد



MONOCHROMATIC



COMPLEMENTARY



ANALOGOUS



TRIADIC

همچنین رنگ های گرم و مکمل سرد با هم ترکیب می شوند تا تنش با کنتراست بالا و جنب و جوش را در فیلم ایجاد کنند.



Amelie (2001)



X-Men: Apocalypse, The Island, Max Max: Fury Road, Transformers

رنگ های مشابه

رنگ های مشابه در چرخه رنگ، همسایه یکدیگر هستند (یعنی قرمز / بنفش یا زرد / سبز لیمویی) در این رنگ ها کنتراست وجود ندارد و کشش رنگ های مکمل یک تجربه کلی هماهنگ و آرامش بخش ایجاد می کند.

استفاده از رنگ مشابه در مناظر و نمای بیرونی آسان است، زیرا اغلب در طبیعت یافت می شوند. یکی را می توان به عنوان رنگ اصلی انتخاب کرد، رنگ دوم برای حمایت، و رنگ سوم با ترکیب سیاه یا سفید برای هماهنگی و ارتباط فضایی استفاده می شود.



Traffic (2000)



Tokyo Drifter (1966)

رنگ های اصلی

سه رنگ اصلی، پر جنب و جوش و رنگارنگ هستند و به طور مساوی در اطراف چرخه رنگ قرار گرفته اند. یک رنگ اصلی معمولا به صورت غالب استفاده می شود و بقیه به عنوان رنگ های کمک کننده استفاده می شوند.

استفاده از رنگ های اصلی یکی از کم کاربردترین روش های به کارگیری رنگ در فیلم است. اما زمانی که استفاده می شود می تواند چشمگیر و پر جنب و جوش باشد.



Pierrot le Fou (1965)



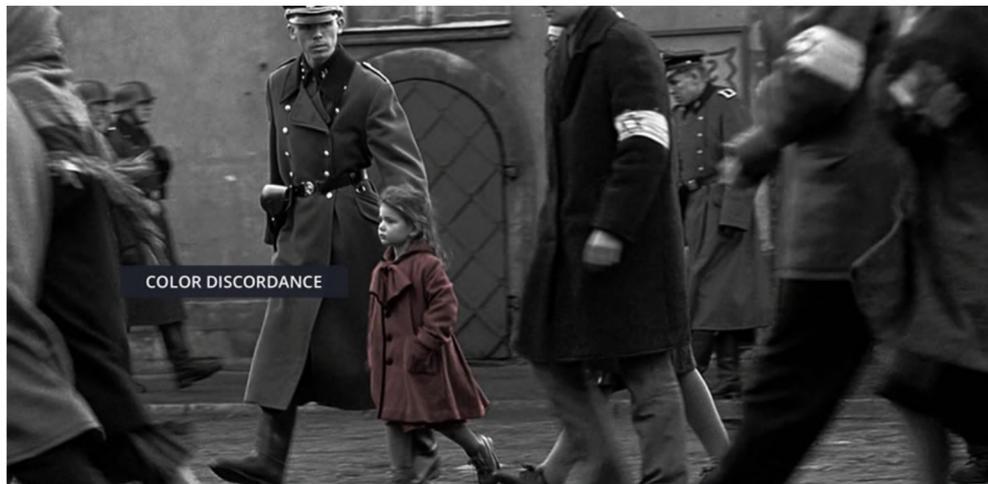
Superman (1978)

رنگ های ناسازگار

رنگهای ناسازگار، یک انتخاب عمدی است که طراح فیلم و کارگردان برای ایجاد نقاط فعال و انتشار آن در فضا استفاده می کنند. رنگ متفاوت می تواند به تمایز شخصیت، جزییات و یا مکان کمک کند تا از بقیه فیلم متفاوت شود. به عنوان مثال رنگ آبی در فیلم امیلی و یا رنگ قرمز در فیلم حس ششم.



Amelie (2001)



Schindler's List (1993)



Sin City (2005)



Pleasantville (1998)



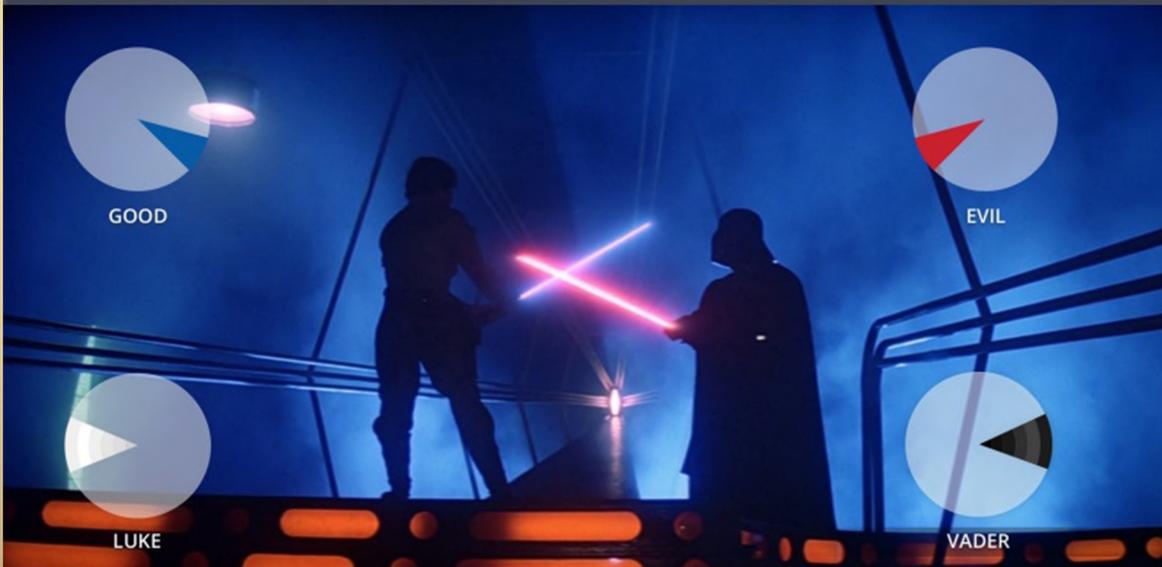
Pleasantville (1998)

رنگ و قابلیت های بیانگری شخصیت ها و درونمایه

هنگامی که یک رنگ یا طرح به صورت مکرر به یک شخصیت، شی، مکان و یا موضوع خاصی نسبت داده میشود، به یک نماد تبدیل می شود که این روش در بسیاری از فیلم ها دیده می شود.



The Godfather (1972)



Star Wars: Episode V - The Empire Strikes Back



The Dark Knight (2008)

استفاده از رنگ های انتقالی برای نشان دادن تغییر هنگامی که یک پالت رنگ و منظر، در طول فیلم تغییر می کند، اغلب نشان دهنده یک دگرگونی در شخصیت، داستان و یا موضوع است. این یک مسیر قدرتمند برای ارتباط با ناخود آگاه مخاطب است تا تغییری در شخصیت را به صورت بصری مشاهده کند.



Star Wars vs. Return of the Jedi



Tokyo Drifter (1966)

سخن پایانی

در حالی که بسیاری از ایده های رنگ پردازانه، می-توانند تأثیری «جهان-شمول» روی فیلمها داشته باشند، اما هیچ عصای جادویی یا فرمول روشنی در انتخاب رنگ فیلم وجود ندارد و در نهایت این بر عهده فیلمساز است که با تکیه بر تجربه و شناخت خود و مشاوره و همراهی مدیر طراحی، پالت رنگ و مفاهیم مرتبط را با نگاه به تئوریهای رنگ در دوره پیش تولید تعریف کند و با همراهی مدیر فیلمبرداری در دوره تولید به پیش برد و در مرحله پسا تولید با حضور کالر آرتیست و بر اساس اندیشه های مفروض به تکامل برساند.

- How to Use Color in Film - ۵۰ Examples of Movie Color Palettes - StudioBinder
- <http://www.studiobinder.com/>

